



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

موصوف و صفت (منعوت و نعت)

موصوف: کلمه‌ای است که مورد وصف واقع شده است .
صفت (نعت) : کلمه‌ای است که موصوف را وصف می‌کند .

مانند :

ورده جميلة (گلی زیبا - یک گل زیبا)

صفت

موصوف

صفت ها یا بصورت **مفرد** (یک اسم) و یا بصورت **جمله** می آیند .

مفرد : یک اسم است که موصوف خود را وصف می کند .

} صفت

جمله‌ی وصفیه : یک جمله‌ی اسمیه یا فعلیه است که موصوف خود را وصف می کند .

جمله‌ی وصفیه : صفتی برای یک اسم نکره است که به صورت جمله آمده است .

دوستی **راستگو** را دیده .

دوستی **که همیشه راست می‌گفت** را دیده .

صفت (نعت) مفرد :

یک اسم است که در ۴ حالت با موصوف خود مطابقت می‌کند :

- ۱ - در تعداد (مفرد ، مثنی ، جمع بودن)
- ۲ - در جنسیت (مذکر ، مؤنث بودن)
- ۳ - در اعراب (مرفوع - منصوب - مجرور و ...)
- ۴ - در معرفه و نکره بودن .

گلی زیبا - یک گل زیبا

وردة جميلة

مفرد مفرد

مونث مونث

مرفوع مرفوع

نكرة نكرة



مرد دانا

الرَّجُلُ الْعَالِمُ

مفرد ، مذکر

معرفه ، منصوب

مفرد ، مذکر

معرفه ، منصوب

نکته (برای جمع هایی که بر غیرعاقل (غیر انسان) دلالت می کنند ،
صفت (مفرد - جمله) همیشه به صورت مفرد مؤنث آورده می شود .

الآياتِ الشَّريفةِ

موصوف به صورت

صفت به صورت

جمع ، مؤنث (آیه)

مفرد مؤنث

الْمَنَاطِقُ الْمُخْتَلِفَةُ

موصوف به صورت

صفت به صورت

جمع مکسر غیر عاقل

مفرد مؤنث

معمولاً هنگامی که بعد از اسمی نکره ، فعلی بیاید
که دربارهی آن اسمِ نکره توضیح دهد، در ترجمه به
فارسی بعد از آن اسم ؛ حرفِ ربطِ « که » می آید و
فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می شود.

مثال:

شَاهِدُنَا سِنْجَاباً يَقْفِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم **که** از درختی به درختی می پرید.

إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است **که** به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ .

پسری را دیدم که به سرعت راه می‌رفت.

در اسامی نکره صفت می‌تواند به صورت **جمله**
بیاید که این جمله را جمله وصفیه می‌نامند .

اسم نکره + ... جمله‌ی (اسمیه - فعلیه)

معمولاً جمله‌ی وصفیه

نکته (قبل از ترجمه‌ی جمله‌ی وصفیه کلمه‌ی (که) را می‌آوریم .

رَأَيْتُ ظَبِيًّا يَمْشِي بِهْدَوٍ .

(آهویی را دیدم که به آرامی راه می‌رفت .)

نکته ۳) در تشخیص جمله‌ی وصفیه به موارد زیر دقت نمایید :

الف - جمله‌ی وصفیه باید در تعداد و جنسیت با اسم نکره (موصوفش) برابری نماید .

ب - در جمله‌ی وصفیه باید ضمیری وجود داشته باشد که با اسم نکره (موصوفش)
برابری نماید .

ج - ممکن است جمله‌ی وصفیه با فاصله و یا بدون فاصله با اسم نکره (موصوفش)
در جمله بیاید .

د - جمله‌ی وصفیه نباید با حروف عطف (وَ - فَ - ثُمَّ) و نیز حروفی مانند (لِ - لَئِنْ -
مَتَى - كَيْ - لَكِي - إِذَنْ - لَكِنْ و ...) از اسم نکره (موصوفش) جدا شده باشد .

رَأَيْتُ كِتَاباً فِي الْمَكْتَبَةِ مَوْضُوعُهُ الطَّبُّ .

کتابی را در کتابخانه دیدم که موضوع آن پزشکی بود .

الْمُؤْمِنُ إِنْسَانٌ لَا يُحِبُّ الشَّرَّ .

(مؤمن انسانی است که بدی را دوست ندارد .)

ترجمه‌ی صفت مفرد و جملات وصفیه :

۱ - صفت در زبان فارسی به صورت مفرد می‌آید ، هر چند در زبان عربی مفرد نباشد .

التَّلاَمِيزُ الْمُجْتَهِدُونَ : دانش آموزان کوشا

الصَّدِيقَانِ الْوَفِيَّانِ : دو دوست وفادار

۲ - در ترجمه جمله‌ی وصفی ، حرف « که » را بر آن می افزاییم و خود فعل مطابق نیاز جمله معمولاً به ترتیب ذیل ترجمه می شود :

ماضی + ... = ماضی = ماضی ساده + ماضی بعید در زبان فارسی (و یا ماضی)
جمله‌ی وصفیه

إِشْتَرَيْتُ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ :

فعل ماضی فعل ماضی

کتابی را خریدم که آن را در کتابخانه‌ی مدرسه دیده بودم (دیدم) .

ماضی + ... = مضارع = ماضی ساده + ماضی استمراری در زبان فارسی
جمله‌ی وصفیه

سَمِعْتُ نَدَاءً يَدْعُونِي إِلَى الصَّدَقِ .

ماضی مضارع

ندایی را شنیدم که مرا به صداقت فرا می خواند .

مضارع + ... = مضارع اخباری + مضارع التزامی در زبان فارسی
جمله‌ی وصفیه یا مضارع اخباری

أَفْتَشُّ عَنْ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ .
مضارع مضارع

دنبال کتابی می‌گردم که مرا در فهم متون یاری کند .

أُشَاهِدُ طَالِباً يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش آموزی رامی بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.